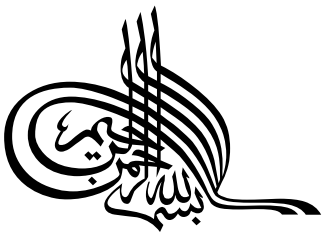
سلسلهٔ من يرد الله به خيراً يفقهه في الدين (۷)
خداوندبه هرکس ا را ده خیرداشته باشد او را دردین آگاهی می‌دهد.

نماز جماعت

نوشته

أبو عبدالله:
إسحاق بن عبدالله بن محمد الدبيري العوضي

چاپ أول ١٤٢٠هـ . ق



حقوق الطبع محفوظة

مقدمه

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على أشرف الأنبياء والمرسلين محمد بن عبدالله وعلى آله وصحبه ومن تبعه بإحسان إلى يوم الدين أما بعد:

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**يا بنى آدم خذوا زينتكم عند كل مسجد وكلوا واشربوا ولا تسرفوا إنه لا يحب المسرفين**﴾[1] .

[ای پسران آدم زینت خود را نزد هر مـسجد بگیرید یعنی در هر نماز و طواف بهتـرین هیئـت را داشته باشید، و بخورید و بیاشامید و اسـراف و زیاده روی نکنید که خدا اسـراف کننـدگان را

(۱) سوره أعراف آیه ۳۱ .

دوست نمی‌دارد و رفتارشان را نمی‌پسندد] .

و همچنین می‌فرماید: ﴿**وأن المساجد لله فلا تدعوا مع الله أحداً**﴾[1] .

[مساجد همه برای خدای یکتاست، بنابر آن همراه خدا هیچکس دیگری را عبادت نکنید که مسجد اختصاص به عبادت خدای یکتا دارد] .

و باز باریتعالی در آیه دیگر می‌فرماید: ﴿**لا تقم فيه أبداً لمسجد أسس على التقوى من أول يوم أحق أن تقوم فيه فيه رجال يحبون أن يتطهروا والله يحب المطهرين**﴾[2] .

---

(۱) سوره الجن آیه ۱۸ .

(۲) سوره التوبه آیه ۱۰۸ .

[ای رسول خدا هیچگاه در مسجد ضرار ایشان بنماز مایست، آن مسجد شایستگی نماز رسول خدا را ندارد، برای اینکه مسجد قباء که از نسختین روز آمدنت بمدینه بر پرهیزگاری و ترس از خدا شالوده گذاری شده است بنماز خواندنت در آن شایسته تر است، زیرا در مسجد قباء مردمی پاك و مهذب وجود دارد که خود را پاکیزه نگهداشتن، و از نفاق و بد دلی دور داشتن، و از أخلاق ناپسندیده خود را پاك ساختن، و خود را با آب شستن و وضوء و طهارت داشتن، دوست می‌دارند، و خدا پاکیزکان را دوست می‌دارد] .

مقصود مسجد ضرار بود که منافقان آنرا بنا

کرده بودند[1] .

همچنین مسجدی که بر تقوا بنا شـده اسـت مسجد رسول الله ﷺ نیز می‌باشد .

خداوند عز وجل بنای مساجد را برای مسلمان مشروع کرده، تا اینکه این مساجد مکان و جایگاه عباداتی که در قرآن و سنت پیامبر ﷺ وارد شـده باشند، و نماز از مهمترین عبادتها بعد از توحیـد و خداشناسی است، پس بایستی مسلمانان بـه نمـاز اهتمام بهتر و بیشتری بدهند و آنرا در أوقات خود و همچنانکه خدا و رسـول الله ﷺ أمـر فرموده اند

(۱) برای آگاهی بیشتر و بهتر به قصه مسجد ضرار به تفاسیر معتـبره مانند تفسیر ابن کثیر و تفسیر ابن جریر طبري و غیره مراجعه کنید .

بر پا کنند .

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**إن الصلاة كانت علـى المؤمنين كتاباً موقوتاً**﴾[1] .

[نماز فـرض بر مؤمنان فریضه وقت دار اسـت که نباید از وقت آن به دنبال افتد] .

و از رسول الله ﷺ سؤال شد کدام عمل نـزد خدا محبوبتر است آن حضرت فرمودند: ((**الـصلاة على وقتها**))[2] .

نماز در وقت از همهٔ اعمال نـزد خـداونـد محبوبتر است .

---

(۱) سوره النساء آیه ۱۰۳ .

(۲) متفق علیه .

باریتعالی نماز را در مکانی مخصوص در هر شبانه روز پنج بار فرض فرمودند و آنهم مساجد می‌باشد، پس بر مسلمانان است که این مساجد را احتـرام گذاشته، و در قلب خود مورد عظمت قـرار داده، حق آنرا بجا آورند، چنانکه باریتعالی می‌فرماید:

﴿**ومـن یعظم شعائر الله فإنهـا مـن تقـوی القلوب**﴾[1] .

[کسیکه شعائر دین خدا را عظیم و بـزرگ و محترم دارد ـ خوشا به حال او ـ که این تعظـیم نشانهٔ دلهای با تقوا است] .

رسول الله ﷺ مردم را در بنا و ساختن مساجد

(۱) سوره الحج آیه ۳۲ .

تشویق نمودند .

چنانکه می‌فرمایند: ((**من** بنی لله **مسجداً** بنی الله **له بیتاً** فی **الجنة**))[1] .

کسیکه مسجدی برای رضای خـدا در دنیـا بسازد، خداوند برای او خانه ای در بهشت می‌سازد .

آنهم برای اینکه مردم نماز خود را در آن برپـا دارند و در آن به خداوند تقرب جویند و خـدا را ذکر و یاد نمایند .

خداوند عز وجل می‌فرماید: ﴿**وأقـم الـصلاة**

(۱) متفق علیه .

لذكري﴾[1] .

[نماز را برای یاد من بپا دار] .

و رسـول الله ﷺ نماز جماعت را بر أمت خود در مساجـد فرض و واجب فرموده، و آنان را به آن أمر و از تخلف از آن نهی فرمـوده انـد، پـس نبایستی مسلمانان از ادای نماز در مساجد تهـاون و کسالت و تخلف ورزیده از آن غافـل باشـند، و بایستی برای آخرت خود أجر و پاداش ذخیره کنند .

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**يوم لا ينفع مال ولا بنون إلا من أتى الله بقلب سليم**﴾[2] .

---

(١) سوره طه آیه ١٤ .

(٢) سوره الشعراء آیه ٨٨ ـ ٨٩ .

[آنروزی که مال و فرزندان برای إنسان هـیچ نفع و سودی نمی‌رساند، و تنها آنکس سـود برد که با دل، با إخلاص، و پاك از شرك و نفاق، بـه درگاه خدا آید] .

و باید دانست که تخلف از نمـاز جماعـت در مساجد از صفات زشت و مذموم منافقین اسـت، چنانکه از عبدالله بن مسعود ﷺ روایت می‌شود که: ((**...وما يتخلف عنـها إلا منـافق معلـوم النفاق**))[1] .

از نماز جماعت بجز منافقی که نفاق او معلـوم و آشکار است کسی دیگر تخلف نمی‌کند .

---

(١) رواه مسلم حديث رقم ٦٥٤، ٤٥٣/١ .

و می‌فرماید: ((**إن أثقل الصلوات على المنافقين صلاة الفجر وصلاة العشاء ولو علموا ما فيهما لأتوهما ولو حبواً**))[1] .

سختترین و سنگین ترین نمازها بر منافقین نماز صبح و نماز عشاء (خفتن) است و اگر می‌دانستند چه أجر و ثواب و پاداشی در آن دو است، هر طور شده به نماز می‌آمدند، اگر چه با خزیدن بود .

و باید مسلمان بداند که بین نماز فریضه و سنت راتبه و غیر راتبه فرق بسیار زیادی است، و فرائض را آشکار کرده، و نوافل را مخفی نماید .

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**..... فعليكم**

(۱) متفق علیه .

بالصلاة في **بيوتكم فإن خير صلاة المرء** في بيتـه **إلا المكتوبة))**[1] .

بر شماست که در خانه هایتان نماز بخوانید، زیرا بهترین نماز إنسان نمـازی اسـت کـه در خانـه می‌خواند، بجز نمازهـای فـرض که خوانـدن آن در مسجد بهتر است .

و این عام است در تمامی نمازهای سنت (نوافل) مگر نوافلی که از شعائر اسلام بـشمار می‌رود، مانند نماز دو عید فطر و أضحی، و نماز کسوف و خسوف، و همچنین نماز تراویح بر صـحیح تـرین أقوال علماء، که خواندن آنها با جماعت و در غیر از

(۱) متفق علیه .

خانه خواهد بود .

پس اظهار فرائض در مساجد و مکان اجتمـاع مسلمانان خواهد بود، بر عکس نوافل و سنتها، در خانه و دور از مردم بهتر است، زیرا از ریاکـاری محفوظ است .

و این کتاب که آنرا (**نماز جماعت**) نامیده ایم به مسلمانان فارسی زبان جهان تقدیم می ـ داریم، تـا اینکه سرمشق و راهنمائی بـرای آنـان باشـد و برایشان فرض بودن نماز جماعت در مساجد آشکار و واضح با دلایل محکم از قـرآن و سنت رسـول الله ﷺ که در این کتاب ذکر کرده ایم قانع و مورد قبولشان واقع گردد .

و در پایان از باری تعالی مسئلت داریم ما و شما را در خدمت به دین مبین إسلام و اتباع و پـیروی سنت رسول اکرم ﷺ قولاً و عملاً و طریقتاً موفق گرداند، و این عمل ناچیز را خالصاً برای رضـا و خشنودی خود قرار داده ما را أجر و پاداش نیـك عطاء فرماید .

وصلى الله وسلم على نبينا محمد وعلى آله وصحبه أجمعين .

وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمين .

أبو عبدالله: إسحق دبيري
الرياض شوال ١٤١٣ هـ . ق

مقام ومنـزلت نماز در إسـلام

نماز در دین مبین إسـلام مقـام و منـ ـزلت بزرگی در بین سائر عبادتها را دارد، و آن سـتون دین بشمار می‌رود که دیـن بـدون آن کامـل نمی‌گردد .

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**إن الصلاة كانت علـى المؤمنين كتاباً موقوتاً**﴾[1] .

[همانا که نماز برای أهل إیمان حکمی واجـب و لازم است] .

نماز در تمامی أدیان آسمانی سابق وجود داشـته،

(۱) سوره النساء آیه ۱۰۳ .

زیرا نماز از مستلزمات إیمان می‌باشد و در أدای آن تشویق زیادی بر زبان تمامی پیامبران آمـده، آنهـم بخاطر أثر مهم و بزرگی که در تربیت و إصـلاح نفس و روح، و قربت به خداوند دارد، زیرا هـیچ چیز مانند نماز نفس را إصلاح و تربیت و آمـوزش نمی‌دهد، چنانکه پیامبر إبراهیم علیه السلام می‌فرماید:

﴿**رب اجعلنی مقیم الصلاة ومن ذریتي**﴾[1] .

[ای پروردگارم مرا بر پا دارنده نماز بساز و از نوادگانم کسانی را بر پا دارنده نماز فرما] .

و باریتعالی در شأن پیامبرش إسماعیل می‌فرماید:

﴿**وکان یأمر أهله بالصلاة والزکاة وکان عنـد**

(۱) سوره ابراهیم آیه ٤٠ .

ربه مرضياً﴾[1] .

[إسماعيل عليه السلام قوم و خويشان خود را بنمـاز و زكات أمر مىفرمود، و نزد پروردگـارش مـورد خوشنودى بود] .

و باريتعالى به پيامبرش موسـى عليه السلام خطـاب مىفرمايد: ﴿**إننى أنا الله لا إله إلا أنا فاعبدنى وأقم الصلاة لذكري**﴾[2] .

[من هستم الله، خداى يكتا كه نيست معبـودى بحق مگر من، يكتائى شايسته ذات پاك يكتاى مـن است، و نماز را براى ياد من بپا دار] .

---

(١) سوره مريم آيه ٥٥ .

(٢) سوره طه آيه ١٤ .

و فرشتگان مادر عیسی عليه السلام را ندا می‌کنند:

﴿**یا مریم اقنتی لربك واسجدی واركعـی مـع الراكعین**﴾[1] .

[ای مریم فرمانبردار پروردگارت باش، و سجود و رکوع بنما همراه رکوع کنندگان ـ یعنی عبادت خدا را بجا آور همراه عبادت کاران، نماز بخوان همراه نمازخوانان] .

و عیسی عليه السلام از نعمتی که خداوند به او عطـاء فرموده است در قرآن می‌فرماید:

﴿**وجعلنی مباركاً أینما كنت وأوصانی بالـصلاة**

(۱) سوره آل عمران آیه ٤٣ .

والزكاة ما دمت حياً﴾[1] .

[و مرا هر کجا که باشم برای جهانیـان مایـه برکت و رحمت گردانید، و تا زنده ام به عبـادت نماز و زکات سفارش فرمود] .

و وقتی باریتعالی از بنی إسرائیل عهـد و پیمـان گرفت یکی از مهمترین عنصرهای آن عهد و پیمان ادای نماز بود چنانکه می‌فرماید:

﴿**وإذ أخذنا ميثاق** بنی **إسرائيل لا تعبـدون إلا الله وبالـوالديـن إحـسـانـاً وذی القـربی واليتامى والمساكين وقولوا للناس حسناً وأقيمـوا**

(۱) سوره مریم آیه ۳۱ .

الصلاة وآتوا الزكاة﴾[1] .

[و هنگامیکه عهد و پیمان از بنی إسرائیل گرفتیم که بندگی منمائید مگر خدای یکتا را، و با پدر و مادر نکوکاری کنید، و خویشاوندان را مدد کاری، و یتیمان را سرپرستی و نگهداری کنید، و مسکینان و افتادگان را دستگیری کنید، و با زبان خوش با مردم سخن بگوئید - مردم را به أمر بمعروف و نهی از منکر به خوبی وادارید - و نماز را بر پا دارید، و زکات مال خود را بدهید] .

و باریتعالی پیامبر محمد را خطاب می‌فرماید:

﴿**وامر أهلك بالصلاة واصطبر عليها لا**

(۱) سوره البقره آیه ۸۳ .

نسألك رزقاً والعاقبة للتقوى﴾[1] .

[تو أهل بيت خود را به نماز أمر كن، و خود نيز بر نماز حق صبور باش، مـا از تـو رزق و روزی كسی نمی‌طلبيم بلكه ما بتو روزی ميدهيم، و فرجام نيك برای پرهيزكاری و ترس از خداست] .

بلی نماز ستون إسلام است كه بين بنده و خـدا ارتباط ايجاد می‌كند، و اين دليل محبت خداوندی و شكر نعمت اوست، و آن حد فاصل و تـشخيص دهنده حقيقی بين مؤمن و كافر اسـت، چنانكـه رسول الله ﷺ می‌فرمايد:

((العهد الذي بيننا وبينهم الصلاة فمن تركهـا

(١) سوره طه آيه ١٣٢ .

فقد كفر))[1] .

عهد و پیمانی که بین ما مـسلمانان و کـافران است أدای نماز می‌باشد، و کسیکه نماز را ترك کند کافر شمرده می‌شود .

بلی کسیکه از نماز خواندن کوتاهی کند در بقیه أرکان إسلام بیشتر کوتاهی خواهد کرد، و تمـامی ارتباط او به خدا منقطع خواهد شد .

خلیفه راشد أبوبکر الصدیق رضی الله عنه می‌فرماید:

(اعلموا أن أهم أمـركم عنـدي الـصـلاة

(١) أخرجه أحمد في المسند ٣٤٦/٥، والترمذي ١٣/٥ ـ ١٤، حديث ٢٦٢١، والنسائي في السنن ٢٣١/١ ـ ٢٣٢، وابن ماجه في الـسنن حديث ١٠٧٩، وصحيح سنن ابن ماجه ١٧٧/١، حديث ٨٨٤، وابن حبان في صحيحه، والحاكم وصححه ووافقه الذهبي ٦/١ ـ ٧ .

فمن ضيعها فهو لغيرها أضيع، واعلموا أن لله **عملاً** في **الليل لا يقبله** في **النهار، وعملاً** في **النهار لا يقبله** في **الليل)**[1] .

بدانید که مهمترین أمور شما نزد من نماز است، و کسیکه نماز را ضایع کرده آنرا بجا نیاورد، کارهای دیگر را بطریق اولی انجام نخواهد داد، و بدانید کـه برای خداوند اعمالی در شب است که انجام آن را در روز قبول نمی‌کند، و اعمالی در روز است کـه انجام آن را در شب قبول نمی‌کند .

و در شرح و تفسیر این حکمت آمده کـه آن أعمال نماز است .

(۱) مجموع فتاوى شيخ الإسلام ابن تيمية ٢٢/٤٠ .

پس کسیکه به نماز اهانت کرده و تکـبر ورزد، مانند اینکه به دین مبین إسلام اهانـت ورزیـده و نصیب او از إسلام بقدر نـصیب او از أدای نمـاز میباشد، و شوق و میل او به إسلام به اندازه شوق و میل او در أدای نماز میباشد، پس بر حذر بـاش که خدا را ملاقات کنی و ارزشی از دیـن مـبین إسـلام در قلب تو نباشـد، زیرا ارزش إسلام در قلب تو به اندازهٔ ارزشی است که نماز در زندگی و قلب تو دارد .

جایگاه نماز در میان دیگر عبادات

نماز اولین فرضها و واجبات دیـن مبین إسـلام بعد از شهادتین است:

گواهی دادن که خدائی بحق جز خـدای یکتـا نیست، و گواهی دادن به اینکه محمد ﷺ رسول و فرستاده خداست .

رسول الله ﷺ در مکه سیزده سال مردم را بـه یکتا پرستی و توحیـد دعـوت فرمود، و از بـت

پرستی و شرك به خدا نهی کرد، و وقتی مـسلمانان در روح و جان ایشان عقیده توحید و یکتا پرسـتی مستقر و محکم و ثابت گردید، و إیمان کامل به خدا و رسول خدا ﷺ آوردند، خداوند نماز پنجگانه را بر مسلمانان فرض نمود، و رسول اکرم ﷺ سه سال قبل از هجرت به مدینه آنرا در مکه أدا می‌کردند .

و چون نماز امتیاز و شأن و ویژگـی خـاص و مهمی در بین سائر عبادات داشت خداونـد آنـرا بدون واسطه و میانجی در شب إسراء و معراج بـا مخاطب قرار دادن مستقیم رسول الله ﷺ بـر او و امتش فرض گرداند .

و به اینخاطر بود که رسول الله ﷺ وقتی أمـر

مهم و یا حادثه ای رخ می‌داد مانند خسوف[1] ماه و کسوف[2] آفتاب بلا فاصله بـه ادای نمـاز بـر می‌خواستند، تا اینکه رحمت خداوندی شامل حال آنها شده و مشکل آنها حل شود، پس ما باید بـه رسول الله ﷺ اقتداء و تأسی کنیم و آن عمـل را انجام دهیم .

(۱) خسوف: گرفتن ماه، یا از نظر پنهان شدن ماه در شبهائی کـه باید ماه دیده شود، در فارسی: ماه گرفتگی، و مـاه گرفـت هـم می‌گویند . (فرهنگ عمید) .

(۲) کسوف: گرفته شدن آفتاب، تاریك شدن قـرص خورشـید . (فرهنگ عمید) .

واجب بودن نماز جماعت

نماز جماعت بر مردان در حال سـفر و حـضر (مقیم بودن)، داشتن امنیت، و در حـال تـرس و خطر، در همهٔ این حالتها واجب عینی است .

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**وإذا كنت فيهم فأقمـت لهم الصلاة فلتقم طائفة منـهم معـك وليأخـذوا حذرهم وأسلحتهم فإذا سجدوا فليكونـوا مـن ورائكم ولتأت طائفة أخرى** لم **يصلوا فليصلوا معك**

وليأخذوا حذرهم وأسلحتهم﴾[1] .

[و هرگاه در میان جماعت حاضر بـودی یـا رسول الله و شما ترس دشمن داشتید، و نماز را برای جماعت بپا داشتی، باید گروهی پشت سر تو به نماز بایستند، و گروهی به دنبال ایستند، و آن گروهـی که پشت سر تو هستند سلاح خود را بگیرند بـا خود، وقتی که اینان به سجود رفتند و مشغول نماز بودند، آن طائفه دیگر از پشت شما پاسـبانی شمـا کنند، و این طائفه که پشت سر تو هستند برونـد برای پاس زدن، و آن گروه که پاس می‌زدند بیایند و با تو نماز بخوانند، و پرهیز و احتیـاط از دسـت

(۱) سوره النساء آیه ۱۰۲ .

ندهید، و سلاح با خود بگیرید تا آنکه از نماز فارغ شوید] .

و در اینجا خداوند به پیامبر ﷺ امر می‌کند، و امر به رسول الله ﷺ بمعنی امر به او و بـه أمـت اوست، اگر آن امر دلالت خصوصیت به رسول الله ﷺ نداشته باشد، پس این آیه دلیل بر واجب بودن نماز جماعت است، و اجازه ترك نمـاز جماعـت در حال جنگ هم به ایشان نداد .

باریتعالی می‌فرماید: ﴿**وأقيموا الصلاة وآتوا الزكاة واركعوا مع الراكعين**﴾[1] .

[نماز را بر پا بدارید، و زکات را بدهید، و نماز

(۱) سوره البقره آیه ٤٣ .

خود را با نمازگزاران انجام دهید] .

و این آیه بر واجب بودن نماز جماعت دلالـت می‌کند، و اگر مقصود فقـط اقامت نماز بـود در آخر آیه ذکر: ﴿**واركعوا مع الراكعين**﴾ نمی‌آمد زیرا در أول آیه امر به إقامت نماز شده بود .

از أبی هـریره رضی الله عنه روایت است که رسـول الله ﷺ فرمودند:

((**والذي نفسي بيده لقد هممت أن آمر** بحطـب **يحتطب** ثم **آمر بالصلاة فيؤذّن** لها ثم **آمر رجلاً فيـؤم الناس** ثم **أخالف** إلى **رجال فأحرق عليهم بيوتهم**))[1] .

(۱) متفق علیه .

بخدائیکه جان من در دست اوسـت تـصمیم گرفتم هیزم جمع کرده، سپس دستور دهم تا اینکه أذان بگویند، سپس مردی را به إمامت واگـذارم و بطرف مردانی روم که به جماعت حاضر نشده اند، و خانه هایشان را بر آنان آتش زنم .

و از أبی هریره ﷺ روایت است : ((**أتى الـنبي ﷺ رجل أعمى فقال: يا رسـول الله ليس لي قائد يقودني إلى الـمسجد، فـسأل رسـول الله ﷺ أن يرخص له في بيته، فرخص له، فلما ولّى دعاه فقال له: هل تسمع النداء؟ قال: نعم، قال: فأجب**))[1] .

مرد نابینائی نزد رسول الله ﷺ آمد و گفـت:

(١) متفق علیه .

کسی ندارم که مرا به مسجد برساند و از آنحضرت إجازه خواست تا در خانه اش نماز بخواند، آنحضرت به او إجازه داد و وقتی آن مرد از آنجا دور شـد و رفت او را صـدا کـرد و فرمـود: آیـا أذان را می‌شنوی؟ جواب داد بلی، فـرمود: پس جـواب أذان را بده، یعنی نماز را با جماعت أدا کن .

و أحادیث خیلی زیادی در وجوب نماز جماعت در مسجد وارد شده که ما به این چنـد حـدیث اکتفا می‌کنیم .

بعضی از آثار و أقوال صحابه و تابعین در
وجوب نماز جماعت وعدم تخلف از آن

از أمیرالمؤمنین عمر بن الخطاب ﷺ روایت است که گفت: **(ما بال أقـوام یتخلفـون، یتخلـف بتخلّفهم آخرون، والله لقد هممت أن أرسل إلیهم**

فيجأ في **أعناقهم** ثم **يقال: اشهدوا الصلاة)**[1] .

چرا و برای چه افرادی از حضور جماعت تخلف می‌کنند، و به خاطر تخلف آنان، دیگران نیز تخلف می‌کنند، بخدا سوگند که تصمیم گرفتم بر آنـان مردانی بفرستم تا به گردنشان بزنند وبه آنها بگویند: به نماز جماعت حاضر شوید .

و همچنین برای أمـراء و فرمانـداران شـهرها نوشت: **(إن أهم أمركم عندي الصلاة فمن حفظها فقد حفظ دينه، ومن ضيعها فهو لما سواها أضيع،**

(١) كنـز العمال ـ كتاب الصلاة من قسم الأفعال ـ الباب الخامس في الجماعة وفضلها وأحكامها ـ فصل في فـضلها ـ رقـم الروايـة ٢٢٧٩٥ ـ ٢٥٢/٨ .

ومن المحافظة عليها أداؤها جماعة في المسجد، وفي رواية: **ولا حظ في الإسلام لمن ترك الصلاة)**[1] .

مهمترين أمور شما نزد من نماز است، پس کسیکه آنرا حفظ کند دین خود را حفظ کرده، و کسیکه آنرا ضایع کند، ضایع کردن چیزهای دیگر برای او آسانتر است، و از محافظت کردن آن اینست که نماز با جماعت و در مسجد خوانده شود ودر روایتی: وهیچ بهره و نصیب وخوشبختي در إسلام نیست، برای کسیکه نماز را ترك کند .

أبوهریره رضي الله عنه می‌گوید:

---

(١) مراجعه شود به کتاب: الصلاة وحكم تاركها لابن القيم الجوزية ص ٤٠٣ ـ ٤٠٤، وكتاب: مجموعة رسائل في الصلاة ص ١٤٨ .

(لأن يمتلئ أذن ابن آدم رصاصاً مذاباً خير لـه من أن يسمع المنادي ثم لا يجبه)[1] .

اگر گوش بنی آدم پر از سرب ذوب شده گردد بهتر است از اینکه صدای مؤذن را بشنود ولی آن را إجابت نکند .

از عبدالله بن عباس رضی الله عنهما سؤال شد:

مردی است که شب را بـه عبـادت و نمـاز می‌گذراند، و روز را به روزه، ولی نماز جماعت و جمعه حاضر نمی‌شود .

(١) مصنف ابن أبي شيبة، كتاب الصلوات، من قال إذا سمـع المنـادي فليجب ٣٤٥/١، والأوسط في السنن والإجماع والاختلاف لابن المنذر، كتاب الإمامة، ذكر تخوف النفاق على تارك شهود العـشاء والـصبح جماعة، رقم الرواية ١٩٠٥، ١٣٧/٤، والمحلى لابن حزم ٢٧٤/٤ .

جواب داد: او در جهنم خواهد بود، و بـار دیگر بعد از یکماه از او همین **سؤال شـد، بـار دیگر** همان **جواب را داد)** .

عبدالله بن مسعود و أبو موسى الأشعرى رضـى الله عنهما مى‌گويند: **(من سمع المنادي** ثم لم يجبه **من غير عذر فلا صلاة له)**[1] .

كسيكه أذان را بشنود ولى جواب آنرا ندهـد و به نماز جماعت نرود در حاليكه هيچ عذرى نـدارد نماز او صحيح نيست .

على بن أبي طالب رضى الله عنهما مى‌گويد:

(١) مصنف ابن أبي شيبة ٣٤٥/١، والأوسط لابن المنذر ١٣٦/٤ رقم الرواية ١٩٠٢، والمحلى لابن حزم ٢٧٤/٤ .

(من سمع النداء فلم يأته لم تجاوز صلاته رأسه إلا بالغذر)[1] .

کسیکه أذان را بشنود ولی به مسجد نیاید، نماز او از سرش بالاتر نمی‌رود، یعنی نماز او قبول نمی‌شود مگر اینکه عذر داشته باشد .

علی بن أبي طالب رضي الله عنه می‌گوید: **(لا صلاة لجار المسجد إلا في المسجد، فيقل له: يا أمير المؤمنين من جار المسجد؟ قال: من سمع النداء)[2] .**

---

(١) مصنف ابن أبي شيبة ٣٤٥/١، والأوسط لابن المنذر ١٣٦/٤ رقم الرواية ١٩٠١ .

(٢) عبدالرزاق في المصنف رقم الحديث ١٩١٥ ـ ٤٩٧/١ ـ ٤٩٨ ومصنف ابن أبي شيبة ٣٤٥/١، والأوسط لابن المنذر ١٣٧/٤ رقم الرواية ١٩٠٧، والمحلى لابن حزم ٢٧٤/٤ ـ ٢٧٥ .

همسایه مسجد نماز او صحیح نیست مگـر در مسجد است، گفته شد: ای أمیر المؤمنین همـسایه مسجد چه کسی است؟ فرمود: کسی کـه أذان را بشنود همسایه مسجد است .

عطاء بن أبی رباح و أبو ثور رحمـة الله علـیهم میگویند: **(حضور نماز جماعت فرض است)**[1] .

إمام شافعی رحمة الله علیه میگوید:

(فلا أرخص لمن قدر على صلاة الجماعة في **ترك إتيانها إلا من عذر)**[2] **.**

---

(١) الأوسط لابن المنذر ١٣٨/٤، والمغني لابن قدامه ٥/٣، تفسير القرطبي ٤٣٩/١، فقه الإمام أبي ثور لسعدي حسين علي جبر ص ٢٢١ .

(٢) كتاب الأم للشافعي ١٥٤/١ .

کسیکه می‌تواند به نماز جماعت حاضـر شـود إجازه تخلف از نماز جماعت به او نمی‌ـدهم، مگـر اینکه عذر داشته باشد .

إمام خطابی رحمة الله علیه گوید:

(حضور نماز جماعت در مساجد واجب است، زیرا اگر سنت بود عبدالله بن أم مکتوم که نابینـا بود أولی تر بود که از آن تخلف کند، و همچـنین برای کسانیکه ضعیف و نابینا هـستند مانـد او واجب است) .

عطاء بن أبي رباح گوید:

(فلیس لأحد من خلق الله في الحـضر والقریـة

رخصة في أن يدع الصلاة)[1] .

رخصتی برای هیچ کس از بشر نیـست، چـه کسی که مقیم باشد، و چه کسی کـه در قریـه (مسافر) باشد از نماز جماعت تخلف کند .

إمام الأوزاعی رحمة الله علیه گوید:

(هیـچ گناهی بعد از شرك به خـدا بزرگتر از تأخیر نماز از وقت خود، و کشتن مؤمنی بغـیر حق نیست) .

حکمت فرض شدن نماز جماعت و منافع آن:

هیچ شکی نیست که دین مبین إسلام دینی است

(١) الأوسط في السنن والإجماع والاختلاف لابن المنذر ١٣٧/٤ .

که مردم را به تضامن، و پیوستگی، و تآلف، و محبت، و ترابط، و أخوت و برادری با هم، دعوت می‌کند .

پس خداوند متعال برای زنده کردن چنین چیزها و تقویت آن بعضی از عبادتها را بر بندگان خود فرض و واجب فرموده که از جمله این عبادتها نماز جماعت می‌باشد، و آنهم در هر شبانه روز پنج بار با برادران مسلمان خود در مسجد کنار هم و پشت سر هم ایستاده و با خدای خود ذکر و مناجات می‌کنند و در مسجد با همدیگر ملاقات کرده، روابط برادرانه را محکمتر و استوار می‌سازند، در اینجاست که برادران مسلمان

احساس همدردی می‌کنند، و می‌دانند که هـدف آنان یکی است و آنهم رضا و خوشنودی باریتعالی است .

و در برابر خدا با خشوع و خـضوع کامـل ایستاده و با او مناجات می‌کنند، و هیچ فرقی بین فقیر و ثروتمند، و أمیر و مأمور، و جاهل و نادان، و دانشمند نخواهد بود، بلکه همگی در یـك صـف ایستاده اند .

این باعث می‌شود که برادران مسلمان با هـم ألفت و مودت بگیرند و از حال مادی و معنـوی همدیگر با خبر شوند، و باعث رفـع بـسیاری از مشکلات نیز خواهد بود، و این اجتماع است که

باعث سربلندی و عزت إسلام در جامعه بـشری خواهد بود .

باریتعالی مسلمانان را خطاب می‌فرماید:

﴿**يا أيها الذين آمنوا اركعوا واسجدوا واعبدوا ربكم وافعلوا الخير لعلكم تفلحون وجاهدوا في الله حق جهاده هو اجتباكم وما جعل عليكم في الدين من حرج ملة أبيكم إبراهيم هو سماكم المسلمين من قبل وفي هذا ليكون الرسول شهيداً عليكم وتكونوا شهداء على الناس فأقيموا الصلاة وآتوا الزكـاة واعتصموا بالله هو مولاكم فـنعم المـولى ونعـم النصير**﴾[1] .

(١) سوره الحج آیه ٧٧ ـ ٧٨ .

[ای مردمیکه إیمان آورده اید به نماز ایـستید و برای خدای یکتا رکوع و سجود بجـا آوریـد، و پروردگارتان خدای یکتا را ـ نـه غـیر او را ـ عبادت کنید، و کارهای خیر انجام دهید تا رستگار شوید، و در راه خدا جهاد کنید آنچنانکه شایسته جهاد در راه او است ـ جهاد با دشمنـان خـدا، جهاد به نفس و هوی، جهاد با شر و فساد ـ برای اینکه خدای متعال شما مـسلمانان را بـرای ایـن مسئولیت بزرگ برگزید ـ و دینی به شما سپرد که موافق فطرت و سرشت آدمی است، و از همه طرف رحمت خدا با آن همراه است، و در آن هیچ نـوع سختی فوق طاقت نیست ـ دین پدرتان إبـراهیم

است ـ دین توحید و یکتا پرستی است که از عهد إبراهیم عليه السلام تا خاتم الأنبیاء بهم متصل است، خدای یکتا، شما أمت محمد ﷺ را مسلمان نامید تـا دل و روی را بخدا تسلیم کنید، که أمت مسلمان بر یك راه راست است، این أمانت عظیم که بشما سپرده شد تا پیغمبر خدا محمد ﷺ گواه بر این أمت باشد، و راه سلوك أمت را تعیین فرماید، و شما أمت محمد بر همه مردم گواه باشید، راه راست و سلوك صحیح را برای جهانیان تعیین کنید ـ شما أمت محمد قیم و سرپرست و راهنـمای جهانیان هستید، ـ و نماز بپا دارید، و زکات را بدهید، و اعتصام و اعتماد بر خدای یکتا داشته باشید، تا او تعالی دوست و یاری

دهنده شما باشد، که خدای متعال چـه دوسـت خوب، و چه یاری دهنده خوبی است، سـبحانه و تعالی] .

نماز جماعـت در إسـلام برای از بـین بـردن فاصله های طبقاتی در جامعه می‌باشد، چه از نظر نـژاد پرستی و قومیت، و چـه از نظـر سـیاه و سرخ بودن .

همچنین اجتماع مسلمانان در مسجد برای نمـاز جماعت باعث می‌شود خداوند برکات و رحمـات خود را بر آنان نازل فرماید .

جـزای کسانیکه نماز جماعت را بدون عذر ترك می‌کنند:

نماز جماعت مزیت مهمی در جامعـه إسـلامی دارد، و نباید در أدای آن تهاون و تساهل و کسالت ورزید، و چنانکه از أحادیث زیر واضح است عدم حضور جماعت باعث عدم قبول نماز او می‌شود، و معلوم است کسیکه نماز او کامل نیست بـه بقیـه أعمال و کردار او نگاه نمی‌شود .

عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند:

((مـن سمع المنادی فلم یمنعه مـن اتباعه عذر ـ قالوا: وما العذر؟ ـ قال خـوف أو مـرض لم

تقبل منه الصلاة التي صلّى))[1] .

کسیکه أذان را شنید و در إجابت کـردن آن عذری او را منع نکرد، گفتند عذر ماننـد چـه؟ فرمود: مانند ترس از دشمن، و یا مـرض ؛ نمـاز او قبول نمی‌شود .

یعنی نمازی که در خانه می‌خواند از او قبـول نمی‌شود .

همچنین در حدیث دیگری روایت می‌کند کـه آنحضرت ﷺ فرمودند:

---

(١) رواه أبوداود ٣٧٣/١ حديث رقم ٥٥١، وصحيح سـنن أبي داود ١٦٤/١، وابن ماجه حديث ٧٩٣ ـ ٢٦٠/١، وصحيح سـنن ابـن ماجه حديث ٦٤٥، ١٣٢/١، والدارقطني في السنن ٤٢٠/١، والحاكم في المستدرك ٢٤٦/١، وغيرهم .

((من سمع النداء فلم يأته فلا صلاة له إلا مـن عذر))[1] .

کسیکه أذان را بشنود ولی به نماز جماعت حضور نیابد نماز از او قبول نمی‌شود، مگر اینکـه عـذر داشته باشد .

و از أبی الدرداء ﷺ روایت است که فرمـود از رسول اکرم ﷺ شنیدم که می‌فرمود:

((ما من ثلاثة في قرية ولا في بدو لا تقام فـيهم الصلاة إلا قد استحوذ عليهم الـشيطان فعلـيكم

(١) رواه ابن ماجه حديث رقم ٧٩٣، صحيح سنن ابن ماجه ١٣٢/١، ابن المنذر في الأوسط حديث رقم ١٨٩٨ ـ ١٣٥/٤، وابن حبـان في (الإحسان) حديث رقـم ٢٠٦٤ ـ ٤١٥/٥، والحـاكم وصـححه ٢٤٥/١، وإرواء الغليل ٣٣٧/٢ وغيرهم .

بالجماعة فإنما يأكل الذئب من الغنم القاصية))[1] .

هر سه نفری که در قریه و یا بادیه نشینی باشند و نماز جماعت را بر پا نکنند، کسانی هستند که شیطان بر دل آنان سخت إحاطه کرده، پس بر شماست که به جماعت حاضر شوید، زیرا گرگ همیشه گوسفندی را که از چوپان دور شده می‌خورد .

(١) رواه أحمد في المسند ١٩٦/٥، وأبو داود حديث رقم ٥٤٣، وصحيح سنن أبي داود حديث ٥٤٧ - ١٦٢/١، (عون المعبود) ٢٥١/٢، والنسائي في السنن ١٠٦/٢ - ١٠٧، وصحيح سنن النسائي حديث ٢٨١/٨٤٦١، وصحي ابن خزيمة حديث ١٤٨٦، ٣٧١/٢، والحاكم في المستدرك ٢٤٥/١، وغيرهم .

بعضی از آداب رفتن به نماز جماعت:

۞ مستحب است برای کسیکه از خانه خارج شده و به نماز جماعت می‌رود با وضوء باشد خداوند می‌فرماید:

﴿**إن الله يحب التوابين ويحب المتطهرين**﴾[1] .

[همانا که خداوند توبه کاران را دوست دارد، و پاکیزکان را دوست می‌دارد] .

۞ وقتی بطرف مسجد می‌رود دستهای خود را به داخل هم گره نزد .

رسول الله ﷺ می‌فرماید:

(۱) سوره البقره آیه ۲۲۲ .

((إذا توضأ أحدكم فأحسن وضوءه، ثم خـرج عامداً إلى المسجد فـلا يـشبكن يديـه فإنـه في صلاة))[1] .

اگر یکی از شما وضوء گرفت و آنرا کامل و تمام کرد سپس بقصد مسجد برای نماز بیرون رفت، بین دو دست خود گره نزند، یعنی داخل هم نکند، زیرا او در حالت ادای نماز می‌باشد[2] .

❁ مستحب است در حال رفتن به نماز نظیف و پاکیزه بوده خود را شیك کند، زیرا إسلام توصـیه

(١) رواه أبوداود ٣٨/١ حديث رقم ٥٦٢ (عون المعبود) ٢٦٨/٢ ـ ٢٦٩، وصحيح سنن أبي داود ١٦٨/١ .

(٢) زیرا گره زدن بین دستها از صفات تنبلی و کسالت می‌باشد .

می‌کند به اینکه مسلمان باید منظر او زیبا بوده و از منظر زشت و ناپسند و پلید دوری کند و زیـور و زینت دادن خود جزئی از آداب نماز می‌باشد .

باریتعالی می‌فرماید:

﴿**يا بني آدم خذوا زينتكم عند كـل مـسجد وكلـوا واشـربوا ولا تـسرفوا إنـه لا يحـب المسرفين**﴾[1] .

[ای فرزندان آدم در مقام عبادت لباس زینـت بپوشید، از نعمتهای خدا بخوریـد و بیاشـامید، و اسراف مکنید که خداوند اسـراف کننـدگان را دوست نمی‌دارد] .

(۱) سوره الأعراف آیه ۳۱ .

رسول الله ﷺ به مسلمانان این آداب را آموزش می‌دادند، و به آنان توصیه می‌فرمودند تا به این آداب عمل کنند و در هیئت و مظهر خود زیبا باشند .

و آنحضرت ﷺ می‌فرمایند:

((لا يدخل الجنة من كان فی **قلبه مثقال ذرة من كبر فقال رجل: يا رسول الله إن الرجل** يحب **أن يكون ثوبه حسناً ونعله حسناً، قال: إن الله** جميل **يحب الجمال الكبر بطر الحق و غمط الناس))**[1] .

کسیکه در قلب او مثقالی از یك اندك از کبر و غرور باشد وارد بهشت نمی‌شود، یکی از یاران

(١) رواه مسلم في كتاب الإيمان حديث رقم ٩١ .

سؤال کرد: ای پیامبر فردی دوست دارد لبـاس او خوب و زیبا باشد، و همچنین کفش و پـاپوش او زیبا و قشنگ باشد! آنحضرت فرمودند: خداونـد زیبا و قشنگ است، و زیبائی و قشنگی را دوست دارد، کبر و غرور ناخشنودی و عدم رضـایت از حق و تحقیر مردم و ناچیز شمردن مردم است .

پس ظرافت و لطافت و زیبائی، و عـدم اسراف و تکلف در آن، و حسن منظـر، از آداب إسـلام می‌باشد .

❁ همچنین از آداب رفتن به نماز است که انسان از تمامی عیبها دور بوده خوش بو و دندانهای خود را مسواك بزند .

از أبی هریره ﷺ روایت است کـه رسـول الله فرمودند:

((لولا أن أشق على أمتي لأمرتهم بالسواك عنـد كل صلاة))[1] .

اگر ترس از این نبود که بر أمت من مـشقت و سختی وارد شود، به آنها أمر می‌کردم تا در نزد هر نماز دندانهای خود را مسواك بزنند .

و بر إنسان است که از بوهای بـد و ناپـسند خودداری کرده دوری جوید، زیرا دین مبین إسلام کسانی را که پیاز و سیر و یا کـرات و تربچـه بودار خورده اند از دخول به مسجد نهی می‌کنـد

(۱) متفق علیه .

تا اینکه فرشتگان و بردران نمازگذار آنها از بوی بد و ناپسند آنان آزار و أذیت نبینند .

از جابر بن عبدالله ﷺ روایت است که رسـول الله ﷺ فرمودند:

((من أكل ثوماً أو بـصلاً فليعتزلنـا وليعتـزل مسجدنا وليقعد في بيته))[1] .

کسیکه سیر و یا پیاز خورده از ما و از مسجد ما کناره گیری کرده و در خانه اش بنشیند .

و از این بوهای بد و ناپسند کشیدن سیگار، و چپق، و غلیان است که بوی بد آن از دهان و لباس آن أشخاص بر می‌خیزد، پس از این کار حـرام و

(۱) متفق علیه .

بد و ناپسند دوری جوئید، زیرا فرشتگان و مردم از بوی بد آن اذیت وآزار می‌شوند .

۞ از آداب رفتن به نماز است اینکه اگر اقامـه گفته شد باید فرد آرامش خویش را حفظ نمایـد و در رفتن شتاب نکند .

از أبی هریـره ﷺ روایت است که رسـول الله ﷺ فرمودند:

((إذا أقیمت الصلاة فلا تأتوها تسعون وانوهـا تمشون وعلیکم السکینة فما أدرکتم فصلوا ومـا فاتکم فأتموا))[1] .

چون نماز اقامه گردید با شتاب به سـوی نمـاز

(۱) رواه مسلم في کتاب المساجد ٤٢٠/١ باب ٣٨ حدیث ٦٠٢ .

نروید، بلکه با آرامش بروید، پس آنچـه از نمـاز دریافتید بخوانید، وآنچه از شما فوت شـد بعـد از سلام تکمیل کنید .

❁ همچنین از آداب رفتن به مسجد خواندن أوراد و أذکار وارده در سنت پیامبر ﷺ می‌باشـد که می‌توانید به کتـاب أذکـار و أوراد مراجعـه کنید[1] .

و وقتی به مسجد رسیدید پای راست خـود را جلو کرده این دعا را بخوانید:

أولاً: صلوات و درود بر محمد ﷺ فرستاده سپس بگوئید: (**اللهم اغفر** لي **وافتح** لي **أبواب رحمتك**) .

(١) مانند كتاب الأذكار إمام نووي، وحصن المسلم، وغير از اينها .

بار الهی گناهان مرا ببخش و درهـای رحمـت خود را بر روی من باز فرما .

و وقتی از مسجد خارج می‌شوید پـای چـپ خود را جلو کرده و صلوات بر محمد ﷺ فرستاده بگوئید: (**اللهم اغفر** لي **وافتح** لي **أبواب فضلك**) .

بار إلهی گناهان مرا ببخش و درهای فـضل و فضیلت خود را بر روی من باز فرما .

و وقتی به مسجد داخل شدید با صـدای بلنـد سلام کرده و قبل از نشستن دو رکعت نماز تحیـه مسجد بخوانید .

رسول الله ﷺ می‌فرماید: ((**إذا دخل أحـدكم**

المسجد فليركع ركعتين قبل أن يجلس))[1] .

هنگامی که یکی از شما داخل مسجد شـد دو رکعت نماز قبل از اینکه بنشیند بخواند .

و بعد از آن در صف أول و دست راست إمـام اگر امکان پذیر بود بدون ایجاد مزاحت برای مردم بنشیند، چنانکه رسول الله ﷺ می‌فرماید:

((إن الله وملائكتـه يـصلون علـى ميـامن الصفوف))[2] .

خداوند و فرشتگان او برای کسانیکه در دست

---

(١) متفق عليه .

(٢) رواه أحمد وأبوداود حديث ٦٧٦، ٣٧٢/٢، وصحيح سـنن أبي داود ١٩٩/١، وانظر فتح الباري ٢١٣/٢، سـنن الكـبرى للبيهقـي ١٠٣/٣، والترغيب والترهيب ٣٢٠/١، وغيرهم .

راست إمام هستند طلب مغفرت می‌کنند .

سپس به ذکر خدا و تلاوت قرآن مشغول شده تا اینکه وقت أدای نماز برسد .

تعدادی که جماعت با آنها منعقد می‌شود:

قبلاً بایستی ذکر کنیم که نماز جماعت بـر چـه کسی واجب است:

نماز جماعت بر مردی که آزاد بوده، برده نباشد، و هیچ عذر شرعی در عدم حضور او به جماعـت نداشته باشد واجب است .

أما تعدادی که جماعت با آنها منعقد می‌گردد دو

نفر می‌باشد، یکی إمـام، و دیگری مأموم، و هر چه تعداد أشخاص زیادتر شود آن نماز نزد خداوند محبوبتر خواهد بود، رسول الله ﷺ می‌فرماید:

((صلاة الرجل مع الرجل أزكى مـن صـلاته وحده، وصلاته مع الرجلين أزكى من صلاته مـع الرجل، وما كان أكثر فهو أحب إلى الله))[1] .

نماز یك فرد با دیگر از نماز او به تنـهائی بهتـر است، و نماز او با دو نفر از نماز او با یك نفر بهتـر است، و هر چه تعداد نمازگذاران بیشتر باشد نـزد خداوند آن نماز محبوبتر خواهد بود .

(١) رواه أبو داود صـحيح سـنن أبي داود حـديث ٥٥٤، ١٦٥/١ وصحيح نسنن النسائي حديث ٨٤٢، والحاكم وصححه ٢٦٩/٣ .

و اگر یکی از جماعتهای دو نفره بچه و یـا زن باشد، جماعت نیز بر پا می‌شود، و آنـرا جماعـت می‌گویند .

عبدالله بن عباس رضـی الله عنـهما روایـت می‌کند:

((بت عند خالتي ميمونة فقام النبي ﷺ يـصلي من الليل فقمت أصلي معه فقمت عـن يـساره فأخذ برأسي فأقامني عن يمينه))[1] .

شبی نزد خاله ام میمونه خوابیدم[2] و رسول الله ﷺ برای خواندن نمـاز تهجد ـ یعنی سنت شـب

(۱) متفق علیه .

(۲) میمونه یکی از أمهات المؤمنین و همسر رسول اکرم ﷺ می‌باشد .

بلند شد ـ من هم بلند شدم تا با او نماز بخوانم، و در دست چپ او ایستادم، آنحضرت سرم را گرفت و مرا به دست راست خود برد در حالیکـه او در نماز بودند .

این حدیث دلالت می‌کند که با دو نفـر هـم جماعت منعقد می‌شود .

إمام مسلم رحمة الله علیه در حـدیث دیگـری روایت می‌کند که ابن عبـاس رضـی الله عنـهما گفت: ((**فأقامني عن يمينه و أقام المرأة خلفنا**))[1] .

پس مرا به دست راست خود برد، و زن یعنی أم المؤمنین میمونه را پشت سرمان قرار داد .

---

(۱) متفق علیه .

از شرحبیل روایت است که گفت: شنیدم جابر بن عبدالله می‌گوید: «**كان رسول الله ﷺ يـصلي المغرب فجئت فقمت عن يـساره فأقـامني عـن يمينه**»[1] .

شنیدم رسول الله ﷺ نماز مغرب را می‌خواندند، من آمدم و دست چپ او ایستادم، پس مرا به دست راست خود برد .

بعضی از آداب نمازجماعت:

اگر فردی داخل مسجد شد و نماز بر پا بود باید

(۱) رواه ابن ماجـه ۱۷۵/۱، صحیح سنن ابن ماجه حدیث ۷۹٤، ۱٦۰/۱.

بلا فاصله به إمام اقتداء كند در هر حاليكه إمام بود، حال چه در أول نماز و يا در آخر آن باشد .

أبوهريرة ﷺ روايت مىكند كه رسول الله ﷺ فرمودند: ((**إذا جئتم إلى الصلاة ونحـن سـجود ؛ فاسجدوا، ولا تعدوها شيئاً، ومن أدرك ركعة فقد أدرك الصلاة**))[1] .

اگر به نماز آمديد و ما را در حـال سجـ ـود ديديد شما هم به سجده برويد ولى آنـرا ركعـتى ندانيد، و كسيكه به يك ركعت از نماز برسد، بـه

(١) رواه أبوداود ٥٥٣/١، صـحيح سـنن أبي داود حـديث ٨٩٣، ٢٥٢/١، والدارقطني في السنن ٣٤٧/١، والبيهقي في الكـبرى ٨٩/٢، والحاكم في المستدرك ٢١٦/١ .

نماز جماعت رسیده است .

از إمام چه در تکـبیرة الإحـ ـرام و چـه در رکوع، و یا رفع از رکوع، و یا سجود، و یا رفع از سجود، و غیره سبقت نگیرید، زیرا ایـن عمـل حرام است و رسول الله ﷺ از آن نهی فرموده اند .

از أنس بن مالك رضي الله عنه روایت است که گفـت: **((صلى بنا رسول الله ﷺ ذات يوم فلمـا قـضى الصلاة أقبل علينا بوجهه فقال: أيها النـاس إنـي إمامكم فلا تسبقوني بالركوع، ولا بالسجود، ولا بالقيام، ولا بالانصراف، إني أراكم أمـامي ومـن**

خلفي))[1] .

روزی رسول الله ﷺ با ما نماز خواند، و وقتی از نماز سلام داد رو به ما کرد و فرمود: ای مردم من إمام شما هستم پس بر من سبقت و پیشی نگیرید، نه در رکوع، و نه در سجود، و نه در بلند شـدن از رکوع و سجود، و نه در سلام دادن از نماز، از من سبقت وپیشی نگیرید، من شما را از جلو و پـشت سر خود می‌بینم .

از أبی هریـره رضی الله عنه روایت است که رسـول الله ﷺ فرمودند: ((**أما يخشى أحدكم إذا رفع رأسه قبل**

(١) رواه مسلم في كتاب الصلاة باب ٢٥ تحريم سبق الإمام بالركوع أو السجود ونحوه حديث رقم ١١٢ (٤٢٦) .

الإمـام أن يجعل الله رأسه رأس حمـار أو يجعـل صورته صورة حمار))[1] .

آیا یکی از شما که قبل از إمام سرش را از سجده بلند می‌کند، نمی‌ترسد خداوند سرش را بـه سـر الاغ، و صورت و جسم او را به صورت و جـسم الاغ تبدیل کند؟

و از أبی هریره ﷺ روایت است که رسـول الله ﷺ فرمودند: **((إنما جعل الإمام ليأتم به فإذا كبـر فكبروا، وإذا ركع فاركعوا، وإذا قال سمع الله لمـن حمده، فقولوا: ربنا ولـك الحمـد، وإذا سـجد فاسجدوا، وإذا صلى جالـساً، فـصلوا جلوسـاً**

(۱) متفق علیه .

أجمعون))[1] .

إمام برای این است تا از او پیروی و متابعـت شود، پس وقتی تکبیرة الإحـرام گفت شما نیز بعد از او تکبیرة الإحرام بگوئید، و اگر به رکوع رفت شما نیز بعد از او به رکوع بروید، و اگر بعد از بلند شدن از رکوع گفت سمع الله لمن حمده شما: ربنـا ولك الحمد بگوئید، و اگر به سجده رفت، شما نیز به سجده بروید، و اگر نماز را در حـال نشـستن خـوانـد شما نیز همگی یتـان نمـاز را در حـال نشستن بخوانید .

(۱) متفق علیه .

عذرهایی که می‌شود با آنها نماز جماعت را ترك کرد:

۞ شدت وزش بـاد، و باریـدن بـاران، و سرمای خیلی سرد، و شدت گرمای ظهر .

۞ مریـض بـودن، و اینکه اگر بـه جماعت حاضر شد به او مشقت وارد می‌شود .

۞ ترس از دشمن، مانند ترس از مال و جـان و ناموس خود .

۞ فشار آوردن إدرار و مدفوع .

از عائشة رضی الله عنها روایت است که گفت شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرمایند: ((**لا صلاة بحضرة**

الطعام ولا هو يدافعه الأخبثان))[1] .

با حاضر شدن خوراك بر سفره نماز نیـست، و همچنین اگر بر فردی إدرار و یا مدفوع فشار آورد نماز جماعت ساقط می‌شود .

❁ خـوردن چیز بد بو مانند پیاز و سـیر، و دلیل آن قبلاً ذکر کردیم .

❁ خواب بودن، و همچنین لخت و برهنه بودن، و غیر از اینها .

فضیلت نماز جماعت:

(١) رواه مسلم في كتاب المساجد باب ١٦ حديث رقم ٦٧ (٥٦٠)، وانظر شرح السنة للبغوي ٣٥٩/٣ .

نماز جماعت فضیلتهای بسیار زیادی دارد .

عبدالله بن عمر رضی الله عنهما روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((**صلاة الجماعة أفضل من صلاة الفرد بسبع وعشرين درجة**))[1] .

نماز جماعت بر نماز فرد و تنهائی به بیست و هفت درجه فضیلت و برتری دارد .

پس چه بهتر از اینکه إنسان مؤمن همیشه با جماعت، و در مسجد نماز بخواند تا این فضیلت را کسب نماید .

إنسان هر گامی که برای رفتن به مسجد بر

(۱) متفق علیه .

می‌دارد خداوند برای او أجر و پاداش می‌نویسد .

أبوهریره ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((**صلاة الرجل** في جماعة **تـضعف علـى صـلاته** في **بيته** وفي **سوقه** خمساً **وعشرين ضـعفاً ذلك ؛ أنه إذا توضأ فأحسن الوضوء** ثم **خـرج** إلى **المسجد لا يخرجه إلا الصلاة** لم **يخـط خطـوة إلا رفعت له بها درجة وحطت عنه بها خطيئـة، فـإذا صلى** لم **تزل الملائكة تصلي عليه ما دام في مـصلاه ما** لم **يحدث، تقول: اللهم صل عليه، اللهم ارحمـه، ولا يزال في صلاة ما انتظر الصلاة**))[1] .

نماز فرد در جماعت بیست و پنج برابر نمـاز در

(١) متفق علیه .

خانه و بازار به أجر و پاداش او از إضافه می‌شود، زیرا اگر بطور کامل وضوء گرفت سپس بـسوی مسجد خارج شد، و خروج او فقط برای أدای نماز در مسجد بود، هر گامی که بر می‌دارد به أجر و پاداش و ثواب او یك درجه إضافه، و از گناه او یك سیئه کاسته می‌شود، و وقتی نماز را خواند همچنان فرشتگان بر او درود می‌فرستند تا وقتی در جـای نمازش می‌باشد، اگر وضوی خود را باطل نکند، و فرشتگان می‌گویند: بار إلهی بر او درود بفرسـت، بار إلهی او را رحمت کن، و او در حالت نماز است تا هنگامی که منتظر نماز بعدی است .

وقتی إنسان در جماعـت نمـاز می‌خوانـد از

ریاکاری و نفاق و دو روئی إیمن و پاك خواهد بود

.

از عبدالله بن مسعود ﷺ روایـت اسـت کـه می‌گوید: ((**من سره أن یلقـى الله غـداً مـسلماً فلیحافظ على هؤلاء الصلوات حیث ینادى بهـن، فإن الله شرع لنبیکم ﷺ سنن الهدى، وإنهن مـن سنن الهدى، ولو أنکم صلیتم** في بیوتکم **کما یصلي هذا المتخلف** في بیته، **لترکتم سنة نبـیکم، ولـو ترکتم سنة نبیکم لضللتم، وما من رجـل یتطهـر فیحسن الطهور** ثم **یعمد** إلى **مـسجد مـن هـذه** المساجد **إلا کتب الله له بکل خطوة** یخطوها **حسنة، ویرفعه بها درجة، ویحط عنه بها سیئة، ولقد رأیتنـا**

وما يتخلف عنها إلا منافق معلوم النفـاق، ولقـد كان الرجل يؤتى به يهادى بين **الرجلين** حتى **يقـام** فى **الصف))**[1] .

کسیکه می‌خواهد خداوند را ملاقات کنـد در حالیکه مسلمان است، پس بر این نمازها که بـرای آن أذان گفته می‌شود محافظت کند، زیرا خداونـد برای پیامبر شما سنتهائی که مردم را به راه مـستقیم هدایت کند تشریع و قانون گذاری کرده، و ایـن نمازها جزو این سنتهاست، و اگر نمازها را در خانه

(١) رواه أحمد ٤١٥/١، ٤١٩، ومسلم كتاب حـديث ٢٥٦ (٦٥٤) ٤٥٣/١، وأبو داود، صحيح سنن أبي داود حديث ٥٥٠، ١٦٣/١ ـ ١٦٤، وصحيح سنن النسائي حديث ٨٤٨، ٢٨١/١ .

هایتان خواندید، همچنانکه این متخلف از نماز در خانه اش می‌خواند، سنت پیامبرتان را ترك کرده اید، و اگر سنت پیامبرتان را ترك کنید گمراه خواهید شد، و مردی که وضوء را بطور کامل گرفته سپس به طرف مسجدی از این مساجد بحرکت آید، خداوند برای هر گامی که بر می‌دارد یك نیکی نوشته، و درجه ای او ثواب و أجر به او إضافه کرده، و گناهی از گناهان او کاسته می‌کند، و در زمان پیامبر ﷺ هیچکس از نماز جماعت تخلف نمی‌کرد مگر منافقی که نفاق او ظاهر و آشکار بود، و در آن زمان دو طرف مرد مریض را می‌گرفتند تا او را در صف نماز قرار دهند و با

جماعت نماز بخواند .

از أبی هریـره ﷺ روایت است که رسـول الله ﷺ فرمودند: ((**من غدا إلى المسجد أو راح أعد الله له نزله من الجنة كلّما غدا أو راح**))[1] .

کسیکه صبح و شام بـرای نماز جماعـت بـه طرف مسجد می‌رود، هر اندازه بـه مـسجد رود خداوند برای او در بهشت مهمانی فراهم می‌کند .

از بریدة ﷺ روایت است کـه رسـول الله ﷺ فرمودند: ((**بشر المشائين في الظلـم إلى المـساجد**

(۱) متفق علیه .

بالنور التام يوم القيامة))[1] .

به کسانی که در تاریکی شـبها بـه مـساجد می‌روند بشارت بده که در قیامت از نوری کامل برخوردار خواهند شد .

فضیلت نماز صبح و عشاء:

از عثمان بن عفان ﷺ روایت است که گفـت شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرماید: **((من صلّى العشاء**

(۱) رواه أبوداود حديث ٥٦١، وصحيح سنن أبي داود ١٦٨/١، وابن ماجه ١٤٠/١، صحيح سنن ابـن ماجـه حـديث ٦٣٣، ١٣٠/١، الترغيب والترهيب ٢١٢/١، والترمذي حديث ٢٢٣، ٤٣٥/١ .

في جماعة **فكأنما قام نصف الليل، ومن صلّى الصبح في جماعة فكأنما صلّى الليل كلّه))**[1] .

کسیکه نماز عشاء را با جماعت بخواند، مانند اینکه نصفی از شب را در نماز گذرانده، و کسیکه نماز صبح را نیز با جماعت بخواند، مانند اینکه تمامی شب را در نماز گذرانده است .

و أبوهریره رضي الله عنه روایت می‌کند که رسول الله صلى الله عليه وسلم فرمودند: **((لو يعلمون ما في العتمة والصبح لأتوهما ولو حبواً))**[2] .

---

(۱) رواه أحمد في المسند حديث ٤٠٩، ٤٦٨/١ الموسوعة الحديثية، ومسلم حديث ٢٦٠ (٦٥٦)، ٤٥٤/١، والترمذي حديث ٢٢١، ٤٣٣/١ .

(۲) متفق عليه .

اگر مردم می‌دانستند چـه ثواب و پاداشی در نماز عشاء و نماز صبح است به مسجد می‌آمدنـد اگر چه بطور خزیدن باشد .

و در حدیث دیگر روایت می‌کند که آنحضرت ﷺ فرمودند: ((**ليس صلاة أثقل على المنافقين مـن صـلاة الفجر والعشاء ولو يعلمون مـا فيهمـا لأتوهما ولو حبواً**))[1] .

هیچ نمازی بر منافقین مانند نماز صبح و عـشاء سخت نیست و اگر می‌دانستند چه أجـر و ثوابی در آن دو است به نماز حاضر می‌شدند اگـر چـه بطور خزیدن باشد .

---

(۱) متفق علیه .

فضیلت نماز صبح و عصر:

أبو موسی الأشعری ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: ((**من صلّی البردین دخل الجنة**))[1] کسیکه نماز صبح و نماز عصر را با جماعت بخواند داخل بهشت می‌شود .

إمام الخطابی گوید: (بردین) نامیده شده است، زیرا در دو طرف روز - یعنی أول و آخر آن - وقتی هوا خوب می‌شود و گرمی آن از بین می‌رود خوانده می‌شود .

---

(۱) متفق علیه .

أبوزهير عمار بن رؤيبة ﷺ روايت می‌کند کـه گفت شنیدم رسول الله ﷺ می‌فرمایند:

((لن يلج النار أحد صلّى قبل طلوع الـشمس وقبل غروبها ـ يعني الفجر والعصر ـ))[1] .

کسیکه قبل از طلوع آفتاب (نماز صبح) و قبـل از غروب آفتاب (یعنی نماز عصر) را بخوانـد داخـل جهنم نمی‌شود .

جندب بن عبدالله بن سفیان ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ می‌فرماید: **((من صلى الـصبح**

(١) رواه أحمد في المـسند ١٣٦/٤، ٢٦١، ومـسلم حـديث ٢١٣ (٦٣٤)، ٤٤٠/١، وأبو داود، صحيح سنن أبي داود حـديث ٤٢٧، ١٢٦/١ .

فهو في **ذمـة الله فلا يطلبنكم الله من ذمته بشيء فيدركه فيكبه** في **نار جهنم))**[1] .

کسیکه نماز صبح را در جماعت بخواند در حفظ و أمان خداست، پس ای بنی آدم کاری مکن کـه خداوند تو را بازخواست کند و در حفظ و أمان او نباشی، و به اینخاطر تو را به جهنم داخل کند .

أبوهریره ﷺ روایت می‌کند که رسول الله ﷺ فرمودند: **((يتعاقبون فيكم ملائكة بالليل وملائكـة بالنهار ويجتمعون** في **صـلاة الـصبح والعـصر** ثم **يعرج الذين باتوا فيكم فيسألهم ربهم وهو أعلم بهم كيف تركتم عبادى فيقولون تركناهم وهم يصلون**

(١) رواه مسلم حديث ٢١٣ (٦٣٤) ٤٤٠/١ .

وأتيناهم وهم يصلون))[1] .

فرشتگانی پی در پی بر شما وارد می‌شوند، گروهی شب می‌آیند و گروهی روز می‌آیند، و اینها صبح و عصر با هم یك جا جمع می‌شوند، سپس آنانیکه شب را با شما گذرانده اند به طرف آسمان بالا می‌روند، خداوند در حالیکه حال انسانها را از فرشتگان بهتر می‌داند از آنها سؤال می‌کند: چگونه و در چه حالی بندگانم را ترك کردید؟ آنها می‌گویند: آنها را ترك کردیم در حالیکه نماز می‌خواندند، و به آنان وارد شدیم در حالی که نماز می‌خواندند .

(۱) متفق علیه .

جریر بن عبدالله البجلی ﷺ روایت می‌کند شب چهاردهمی بود که نزد رسول الله ﷺ نشسته بودیم و آنحضرت به ماه نگاهی کرد و فرمـود: ((**إنکـم سترون ربکم کما ترون هذا القمر لا تضامون** في **رؤیته فإن استطعتم أن لا تغلبوا علی صلاة قبـل طلوع الشمس وقبل غروبها فافعلوا**))[1] .

همانا همه شما ـ یعنی مؤمنان ـ خدا را خواهید دید، همچنانکه همه شما این ماه شب چهـاردهم را می‌بینند و در دیدن آن هیچ مزاحمت و مانعی برای شما ایجاد نمی‌شود، پس اگر توانستید که بـر شمـا نمازی قبل از طلوع آفتاب ـ یعنی نماز صـبح ـ و

(۱) متفق علیه .

نمازی قبل از غروب آفتاب ـ یعنی نماز عـصر ـ غلبه نکند این کار را بکنید[1] .

از بریده ﷺ روایت است کـه رسـول الله ﷺ فرمودند: **((من ترك صلاة العـصر فقـد حـبط عمله))**[2] .

---

(۱) رؤیت و دیدن باریتعالی دیدن حقیقی است که فقط برای مؤمنان در روز قیامت امکان پذیر است، بر خـلاف بعضی از فرقهای ضاله و گمراه که در دیدن خداوند در روز قیامت مانعـت میورزنـد و میگویند دیدن حقیقی امکان پذیر نیست، أما عقیده أهـل سـنت و جماعت بر این است که دیدن خداوند در روز قیامـت فقـط بـرای مؤمنان امکان پذیر خواهد بود .

(۲) رواه البخاري حديث ٥٥٣ و ٥٩٤، (الفتح ٣١/٢)، صحيح سنن النسائي حديث ٤٧٣، ١٥٩/١، وصحيح سنن ابـن ماجـه حـديث ٥٦٨، ١١٥/١ .

کسیکه نماز عصر را عمداً ترك کند تمام أعمال و کردار او باطل می‌شود .

والله ولی التوفیق وآخر دعوانا أن الحمدلله رب العالمین .

وصلی الله وسلم علی نبینا محمد وعلی آله وصحبه أجمعین .

فهرست مطالب

م	موضوع	صفحه
١	مقدمه	
٢	منـزلت نماز در إسلام	
٣	منـزلت نماز در بين ديگر عبادات	
٤	واجب بودن نماز جماعت	
٥	بعضی از آثار و أقـوال صـحابه و تابعين در وجوب نماز جماعت	
٦	حكمت فرض شدن نماز جماعـت و منافع آن	
٧	جزای كسيكه نماز جماعت را بـدون	

عذر ترك می‌کند
۸ بعضی از آداب رفتن به نماز جماعت
۹ تعدادی که جماعت بـا آن منعقـد می‌شود
۱۰ بعضی از آداب نماز جماعت
۱۱ بعضی از اعذاری که می‌شود نمـاز جماعت را بوسیله آن ترك کرد
۱۲ فضیلت نماز جماعت
۱۳ فضیلت نماز صبح و عشاء
۱٤ فضیلت نماز صبح و عصر
۱۵ فهرست

